

الرَّسُول بولس امام الوالي فستوس

¹ فَلَمَّا قَدِمَ قَيْسُوسُ إِلَى الْوَلَايَةِ صَعِدَ بَعْدَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ قَيْصَرِيَّةَ إِلَى أُورُشَلِيمَ. ² فَعَرَضَ لَهُ رَيْسُ الْكَهَنَةِ وَوُجُوهُ الْيَهُودِ صِدِّ بُولُسَ، وَالتَّمَسُوا مِنْهُ ³ طَالِبِينَ عَلَيْهِ مِنْهُ، أَنْ يَسْتَحْضِرَهُ إِلَى أُورُشَلِيمَ، وَهُمْ صَانِعُونَ كَيْمِيًّا لِيَقْتُلُوهُ فِي الطَّرِيقِ. ⁴ فَأَجَابَ قَيْسُوسُ، أَنْ يُحَرِّسَ بُولُسُ فِي قَيْصَرِيَّةَ وَأَنَّهُ هُوَ مُزْمِعٌ أَنْ يَنْطَلِقَ عَاجِلًا. ⁵ وَقَالَ: قَلْبِيرُلُ مَعِيَ الَّذِينَ هُمْ بَيْنَكُمْ مُقْتَدِرُونَ، وَإِنْ كَانَ فِي هَذَا الرَّجُلِ شَيْءٌ فَلْيَسْتَكُوا عَلَيْهِ.

⁶ وَبَعْدَ مَا صَرَفَ عَنْهُمْ أَكْثَرَ مِنْ عَشْرَةِ أَيَّامٍ انْحَدَرَ إِلَى قَيْصَرِيَّةَ، وَفِي الْعَدِ جَلَسَ عَلَى كُرْسِيِّ الْوَلَايَةِ وَأَمَرَ أَنْ يُؤْتَى بِبُولُسَ. فَلَمَّا حَضَرَ وَقَفَ حَوْلَهُ الْيَهُودُ الَّذِينَ كَانُوا قَدْ انْحَدَرُوا مِنْ أُورُشَلِيمَ وَقَدَّمُوا عَلَى بُولُسَ دَعَاوِي كَثِيرَةً وَثِقِيلَةً لَمْ يَقْدِرُوا أَنْ يُبْرِئُوهُ. ⁸ إِذْ كَانَ هُوَ يَحْتَجُّ: أَيُّ مَا أَخْطَأْتُ بِشَيْءٍ لَا إِلَى تَامُوسِ الْيَهُودِ وَلَا إِلَى الْهَيْكَلِ وَلَا إِلَى قَيْصَرٍ. وَلَكِنْ قَيْسُوسُ إِذْ كَانَ يُرِيدُ أَنْ يُودِعَ الْيَهُودَ مِنْهُ قَالَ لِبُولُسَ: أَسْأَلُ أَنْ تَصْعَدَ إِلَى أُورُشَلِيمَ لِنَحَاكَمَ هُنَاكَ لَدَيَّ مِنْ جِهَةِ هَذِهِ الْأُمُورِ؟ ¹⁰ فَقَالَ بُولُسُ: أَنَا وَاقِفٌ لَدَى كُرْسِيِّ وِلَايَةِ قَيْصَرٍ حَيْثُ يَتَّبِعِي أَنْ أَحَاكَمَ. أَنَا لَمْ أَظْلِمِ الْيَهُودَ بِشَيْءٍ كَمَا تَعْلَمُ أَنْتَ أَيْضًا جِدًّا. ¹¹ لَآئِي إِنْ كُنْتُ أَثِمًا أَوْ صَنَعْتُ شَيْئًا يَسْتَحِقُّ الْمَوْتَ فَلَسْتُ أَسْتَغْفِي مِنَ الْمَوْتِ، وَلَكِنْ إِنْ لَمْ يَكُنْ شَيْءٌ مِمَّا يَسْتَكِي عَلَيَّ بِهِ هَؤُلَاءِ فَلَيْسَ أَخَذُ يَسْتَطِيعُ أَنْ يُسَلِّمَنِي لَهُمْ. إِلَى قَيْصَرٍ أَنَا رَافِعٌ دَعْوَايَ. ¹² جَبْتِيذُ تَكَلَّمَ قَيْسُوسُ مَعَ أَرْبَابِ الْمَشُورَةِ فَأَجَابَ: إِلَى قَيْصَرٍ رَفَعْتُ دَعْوَاكَ، إِلَى قَيْصَرٍ تَذْهَبُ.

الملك أغريباس عند الوالي فستوس

¹³ وَبَعْدَ مَا مَضَتْ أَيَّامٌ أَقْبَلَ أَغْرِيْبَاسُ الْمَلِكُ وَبَرْنِيكِي إِلَى قَيْصَرِيَّةَ لِيَسْلَمَا عَلَى قَيْسُوسَ. ¹⁴ وَلَمَّا كَانَا يَصْرَفَانِ هُنَاكَ أَيَّامًا كَثِيرَةً عَرَضَ قَيْسُوسُ عَلَى الْمَلِكِ أَمْرَ بُولُسَ قَائِلًا: يُوجَدُ رَجُلٌ تَرَكَهُ فِيلَكُسُ أَسِيرًا ¹⁵ وَعَرَضَ لِي عَنْهُ رُؤَسَاءُ الْكَهَنَةِ وَمَسَايِخُ الْيَهُودِ لَمَّا كُنْتُ فِي أُورُشَلِيمَ طَالِبِينَ حُكْمًا عَلَيْهِ. ¹⁶ فَأَجَبْتُهُمْ: أَنْ لَيْسَ لِلرُّومَانِيِّينَ عَادَةٌ أَنْ يُسَلَّمُوا أَحَدًا لِلْمَوْتِ قَبْلَ أَنْ يَكُونَ الْمُسَكَّوُ عَلَيْهِ مُوَاجَهَةً مَعَ الْمُسْتَكِينَ فَيَحْضُلَ عَلَى فُرْصَةٍ لِلْإِحْتِجَاجِ عَنِ الشُّكُوفِ. ¹⁷ فَلَمَّا اجْتَمَعُوا إِلَيَّ هُنَا جَلَسْتُ مِنْ دُونِ إِمْفَهَالٍ فِي الْعَدِ عَلَى كُرْسِيِّ الْوَلَايَةِ وَأَمَرْتُ أَنْ يُؤْتَى بِالرَّجُلِ. ¹⁸ فَلَمَّا وَقَفَ الْمُسْتَكُونَ حَوْلَهُ لَمْ يَأْتُوا بِعِلَّةٍ

بولس در حضور فستوس فرماندار

¹ پس چون قستوس به ولایت خود رسید، بعد از سه روز از قیصریه به اورشلیم رفت. ² و رئیس گهته و اکابر یهود نزد او بر پولس ادعا کردند و بدو التماس نموده، ³ متی بر وی خواستند تا او را به اورشلیم بفرستد و در کمین بودند که او را در راه بکشند. ⁴ اما قستوس جواب داد که پولس را باید در قیصریه نگاه داشت، زیرا خود اراده داشت به زودی آنجا برود. و ⁵ گفت: پس کسانی از شما که می‌توانند همراه بیایند تا اگر چیزی در این شخص یافت شود، بر او ادعا نمایند. ⁶ و چون بیشتر از ده روز در میان ایشان توقف کرده بود، به قیصریه آمد و بامدادان بر مسند حکومت برآمده، فرمود تا پولس را حاضر سازند. ⁷ چون او حاضر شد، یهودیانی که از اورشلیم آمده بودند، به گرد او ایستاده، شکایتهای بسیار و گران بر پولس آوردند ولی اثبات نتوانستند کرد. ⁸ او جواب داد که: نه به شریعت یهود و نه به معبدو نه به قیصر هیچ گناه کرده‌ام.

دادخواهی پولس

⁹ اما چون قستوس خواست بر یهود مت نهاد، در جواب پولس گفت: آیا می‌خواهی به اورشلیم آیی تا در آنجا در این امور به حضور من حکم شود؟ ¹⁰ پولس گفت: در محکمه قیصر ایستاده‌ام که در آنجا می‌باید محاکمه من بشود. به یهود هیچ ظلمی نکرده‌ام، چنانکه تو نیز نیکو می‌دانی. ¹¹ پس هر گاه ظلمی یا عملی مستوجب قتل کرده باشم، از مردن دریغ ندارم. لیکن اگر هیچ یک از این شکایتهایی که اینها بر من می‌آورند اصلی ندارد، کسی نمی‌تواند مرا به ایشان سپارد. به قیصر رفع دعوی می‌کنم. ¹² آنگاه فستوس بعد از مکالمه با اهل شورا جواب داد: آیا به قیصر رفع دعوی کردی، به حضور قیصر خواهی رفت.

بولس در حضور آگریپاس پادشاه

¹³ و بعد از مرور ایام چند، آگریپاس پادشاه و برنیکی برای تحیت قستوس به قیصریه آمدند. ¹⁴ و چون روزی بسیار در آنجا توقف نمودند، قستوس برای پادشاه، مقدمه پولس را بیان کرده، گفت: مردی است که فلیکس او را در بند گذاشته است، ¹⁵ که درباره او وقتی که به اورشلیم آمدم، رؤسای گهته و مشایخ یهود مرا خبر دادند و خواهش نمودند که بر او دآوری شود. ¹⁶ در

جواب ایشان گفتم که: رومیان را رسم نیست که احدی را بپارند قبل از آنکه مدعی علیه، مدعیان خود را روبرو شود و او را فرصت دهند که ادعای ایشان را جواب گوید.¹⁷ پس چون ایشان در اینجا جمع شدند، بی درنگ در روز دوم بر مسند نشسته، فرمودم تا آن شخص را حاضر کردند.¹⁸ و مدعیانش برپا ایستاده، از آنچه من گمان می‌بردم هیچ ادعا بر وی نیاوردند.¹⁹ بلکه مسأله‌ای چند بر او ایراد کردند دربارهٔ مذهب خود و در حق عیسی نامی که مرده است و پولس می‌گوید که او زنده است.²⁰ و چون من در این گونه مسایل شک داشتم، از او پرسیدم که: آیا می‌خواهی به اورشلیم بروی تا در آنجا این مقدمه فیصل پذیرد؟²¹ ولی چون پولس رفع دعوی کرد که برای محاکمه اوغسطس محفوظ ماند، فرمان دادم که او را نگاه بدارند تا او را به حضور قیصر روانه نمایم.²² آگریپاس به قستوس گفت: من نیز می‌خواهم این شخص را بشنوم. گفت: فردا او را خواهی شنید.

²³ پس پامدادان چون آگریپاس و بَرَنیکِ با حشمتی عظیم آمدند و به دارالاستماع با مینباشیان و بزرگان شهر داخل شدند، به فرمان قستوس پولس را حاضر ساختند.²⁴ آنگاه قستوس گفت: ای آگریپاس پادشاه، و ای همهٔ مردمانی که نزد ما حضور دارید، این شخص را می‌بینید که دربارهٔ او تمامی جماعت یهود چه در اورشلیم و چه در اینجا فریاد کرده، از من خواهش نمودند که دیگر نباید زیست کند.²⁵ و لیکن چون من دریافتم که او هیچ عملی مستوجب قتل نکرده است و خود به اوغسطس رفع دعوی کرد، اراده کردم که او را بفرستم. و چون چیزی درست ندارم که دربارهٔ او به خداوندگار مرقوم دارم، از این جهت او را نزد شما و علی‌الخصوص در حضور تو، ای آگریپاس پادشاه، آوردم تا بعد از تفحص شاید چیزی یافته بنگارم.²⁷ زیرا مرا خلاف عقل می‌نماید که اسیری را بفرستم و شکایت‌هایی که بر اوست معروض ندارم.

وَاجِدَةٍ مِّمَّا كُنْتُ أَطْلُبُ،¹⁹ لَكِنْ كَانَ لَهُمْ عَلَيْهِ مَسَائِلُ مِنْ جِهَةِ دِيَانَتِهِمْ وَعَنْ وَاحِدٍ، اسْمُهُ يَسُوعُ، قَدْ مَاتَ وَكَانَ بُولُسُ يَقُولُ إِنَّهُ حَيٌّ.²⁰ وَإِذْ كُنْتُ مُرْتَابًا فِي الْمَسْأَلَةِ عَنْ هَذَا قُلْتُ: أَلَعَلَّهُ يَشَاءُ أَنْ يَذْهَبَ إِلَى أُورُشَلِيمَ وَيُحَاكَمَ هُنَاكَ مِنْ جِهَةِ هَذِهِ الْأُمُورِ؟²¹ وَلَكِنْ لَمَّا رَفَعَ بُولُسُ دَعْوَاهُ لِكَيْ يُحْفَظَ لِفَحْصِ أَوْغُسْطُسَ أَمَرْتُ بِحِفْظِهِ إِلَى أَنْ أُرْسِلَهُ إِلَيَّ قَبِضَ.²² فَقَالَ آغْرِيبَاسُ لِقَسْتُوسَ: كُنْتُ أَرِيدُ أَنَا أَيْضًا أَنْ أَسْمَعَ الرَّجُلَ. فَقَالَ: عَدَا تَسْمَعُهُ.²³ فَفِي الْعَدَلِ لَمَّا جَاءَ آغْرِيبَاسُ وَبَرَنِيكِي فِي اخْتِفَالٍ عَظِيمٍ وَدَخَلَا إِلَى دَارِ الْإِسْتِمَاعِ مَعَ الْأَمْراءِ وَرِجَالِ الْمَدِينَةِ الْمُقَدَّمِينَ، أَمَرَ قَسْتُوسُ قَاتِي بُولُسَ.²⁴ فَقَالَ قَسْتُوسُ: أَيُّهَا الْمَلِكُ آغْرِيبَاسُ وَالرَّجَالُ الْخَاضِرُونَ مَعَنَا أَجْمَعُونَ، أَنْتُمْ تَنْظُرُونَ هَذَا الَّذِي تَوَسَّلَ إِلَيَّ مِنْ جِهَتِهِ كُلُّ جُمُهورِ الْيَهُودِ فِي أُورُشَلِيمَ وَهُنَا صَارِخِينَ، أَنَّهُ لَا يَتَّبِعِي أَنْ يَعْيشَ بَعْدُ.²⁵ وَأَمَّا أَنَا فَلَمَّا وَجَدْتُ أَنَّهُ لَمْ يَفْعَلْ شَيْئًا يَسْتَحِقُّ الْمَوْتَ وَهُوَ قَدْ رَفَعَ دَعْوَاهُ إِلَى أَوْغُسْطُسَ عَرَمْتُ أَنْ أُرْسِلَهُ.²⁶ وَلَيْسَ لِي شَيْءٌ يَقِينٌ مِنْ جِهَتِهِ لِأَكْتُبَ إِلَى السَّيِّدِ، لِذَلِكَ أَتَيْتُ بِهِ لَدَيْكُمْ وَلَا سَيِّمًا لَدَيْكَ، أَيُّهَا الْمَلِكُ آغْرِيبَاسُ، حَتَّى إِذَا صَارَ الْفَحْصُ يَكُونُ لِي شَيْءٌ لَأَكْتُبَ.²⁷ لِأَنِّي أَرَى حَمَاقَةً أَنْ أُرْسِلَ أَسِيرًا وَلَا أَشِيرَ إِلَى الدَّعَاوِي الَّتِي عَلَيْهِ.